کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
خطی
۱۶۵۴۸

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب رمل (رسالهٔ مستقل)
مؤلف
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

کتاب رمل (یک مسئله)

مؤلف

مترجم

شمارهٔ قفسه ۱۶۵۴۸

شجره عناصر اوران از رمل علم رمل

١٦٥٤٨
٢٠٧٧١٣

سوال اگر پرسند که چرا نقطه آتش در شاخ آب زیاده از نقطه
آتشست در شاخ باد و نقطه خاک در شاخ باد زیاده از نقطه خاکست
در شاخ آب بیشتر که حکمای الهی بودی جواب میگوییم که شاخ باد تربیت
ثمره آب و خاک میکند و در آن تربیت نقطه آتش زیادتی حاجت
ندارد و بخاک احتیاج بیشتر دارد و از آن جهت خاک بیشتر از آتش
قبول کرد تا قوت آن زیادتی بثمره دهد و همچنین شاخ آب تربیت
ثمره آتش و باد میکند و اورا آتش زیاده از خاک باید تا غذا
تواند رسانید دیگر اگر سوال کنند که چرا در ثمره خاک نسبت باد
و خاک مساویست و در ثمره آتش بسیاری آتش و آب مساوی
باشد که در ثمره خاک خاک زیاده از باد نبودی و در ثمره
آتش آب کمتر از آتش جواب گوییم که ثمره خاک در بیت فرع
بادست و خاک در وی بجا آمده است از آنکه باد او را منع میکرد و اگر
بجای آن بودی که خاک مکان بادی و مساوی و موافق او در مکان
[…] هو کند نتوان سرکه و ثمره خاک رسیدی بی علی العموم باید که
مساوی باشد و در ثمره آتش همین حال است که آتش باید که مساوی
و مکانی آب باشد تا ثمره تواند رسانید و این حال در خانه



چهارم و پنجم است و از این جهت این هر دو خانه مکان اعتدال
قوی آمده چنانکه میزان مکان اعتدال کلیست که درین هر دو
خانه هر دو عنصر متضاد مساوی افتاده است و در میزان
هر چهار عنصر متساوی باشد و چون حق تعالی و تقدس عجب
ترکیبات عناصر این خانها از برای مخلوقات آفریده است
از ملایک و جن و انس و دیگر حیوانات از وحوش و سباع
و طیور و ماهی و جنبنده و پرنده و هر یک بطبیعتی و خلقی و از جمله
تراکیب ترکیب انسانی ترکیب میزانیست و در وی عناصر اربع
علی السویه افتاده است و در اعتدال مستقیم بی زیادتی و نقصی
اکنون در اوزان عناصر این خانها نیک تامل باید کرد
تا بدانی که قبض الداخل در چهارم و قبض الخارج در پنجم و اجتماع
در سیوم و عقله در ششم و نقی الخد در نهم و دفعة الداخل در دوازدهم
و طریق در میزان چنانکه بود و باقی بر این نوع بحسب اوزان نقطها
قوت اشکال در خانها معلوم کنی و این اوزان را در حل و عقد
و جمع و رد و قبض و بسط و طرح و قوة بکار دارد تا از آن
منافع بیند و احکام مطابق و موافق آید ان شاء الله تعالی

فایده بدانکه اوزان عناصر در میزان متساوی است و هر عنصری که
خواهد که تا بیالا رود و چون از میزان برخیزد مضاعف شود
و در یمین و یسار ربعیم و نصفی که باید سنجش کرد اما از این
باز مضاعف شود و بالا تر رود نصفیم و نصفیت و یمین و
یسار و از این باز مضاعف شود و بمراتب سوند و نعکس
انکه در اوزان علوی سفلی منتصف میشد فایده در این
مسئله انست که معلوم شود که هر نقطه که در خانهای می نهند آن
نقطه از جمیع خانهای علوی است و سفلیات نصف علویات است
و از جهة زوج و فرد افتد یکی ثلث آن باید چنانکه اگر نقطه آتش
اول زوج بود آتش دوم و آتش نهم نیز زوج بود دکوم زوج
آتش نهم نصف آتش اول و دوم است و اگر در علوی نقطه فرد
باشد و یکی زوج نقطه سفلی از زوج علوی ثلثان بستاند و از فرد
ثلث تا نصف تمام شود و ثلث علوی بود و اگر نقطتان علوی هر دو
فرد باشد از هر یکی نصف بستاند و یکی او روح نهد اما آن حکم
فرد دارد چنانکه عقده که از نقطه الخارج و قبض
الداخل شوند شود آن عقده بحقیقت فرح بود ~~از انکه هوائی~~

عقده ...

که عکس ... جای سر است و باید که از آن حکم فرح بود از انکه
هوائی عقده هم نایم انست نه معدوم میت و مجبر هر زوجی که از
دو فرد باید معدوم شود و حکم خشکان دارد چون بیدار شود
حکم کند که بیدار بود و هر چه از روح آمد معدوم بود و این است
که خارج داخل میشود و داخل خارج و سعد نحس و نحس سعد و مذکر
مونث و مونث مذکر و فرد زوج و زوج فرد شود و باقی جواهر
بنجد در قسم احکام باید چه اینجا بحث در اصول علم میرود و احکام
و خواص را بیان مختلط نمی شاید کرد و مواضع تسکین اشکال
و اوزان تسکین اشکال او زمان بنجه ایشست که نموده شد

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶

تا لشو سادس می باید که اعقله و اجتماع بود و نقی بیک با خرج
تا مثلث ... طلوع دعرد ... موافق آید و این از آن گذشت
که این هر دو خانه در بنجه یک وزن دارند و در تسکین
همچنانکه در بنجه گفتیم که نقطه آتش و باد از طرفین میرود و خوک
نقطه خاک با خود میبرد تا بخانه چهارم رساند چون بره وقت خاک
در هوا عمل نکند هوا مستعجل میکردد تا در وی رطوبت پیدا می آید بس

دار فرج تر خود آب متعفن باشد و همچنین از طرف یسار که آب و خاک نیز بود
بود میان آتش باشد و پیر نیز وار جهة نحو و توالد آب و آتش هوا بدبو می آید پس
در نقلی نیز هوا منقسم بود و مرکز آتش و باد اول و دوم است و مرکز خاک
هفتم و هشتم و مرکز آب و خاک از باد و چهارم باشد و مرکز آتش از آب سیم و پنجم
و ششم پس در مطلب اجتماع میکنند نیز باد و آب و در حال اجتماع و عقله ثانی و
نشات و لیکن آن بود که اجتماع در مزاج بود و عقله در یکی و اگر بعکس افتد شاید
از آنکه ساکن فی برت دوم و یازدهم طالع عقله محرومی کند و اهم ترتیب آتش و باد
میکند و دهم یا دهست که ترتیب آب و خاک میکند و یازدهم است که ترتیب آتش
و باد میکند و دوازدهم ترتیب آب و خاک میکند و [illegible] چون در یازدهم
بود چون تحقیق بکری [illegible] باشد و درین حالت اگر [illegible] در ششم باشد
قوه نصرة الداخل دارد و دلیل کند که دشمن دوست گردانند و اگر [illegible]
بود قوه [illegible] دارد و امید از زرکا فرو اکند بر این نخست که این نحو
سعادت مسعود و این نحس نحوست شده بین شمال باشد و بنا بر اشکال به این
نوع قیاس میکند و اگر عقله در سوم بود [illegible] نصرة الداخل شود پس در هم
و یازدهم قبت عقله بیشتر گفته تا شکل بیت یازده اند و اوزان عناصر
عن نحوه اوزان العناصر فی الرمل بهذه الشارر

این جمله نتیجه آتش و باد و در یمین بود و نحوه دیگر در طرف یسار
هم برین انجار از شاخ آب و دو نمره لطیعت آتش و باد است
که عبارت از خانه پنجم و ششم خواهد بود حاصل شود و از
شاخ خاک نمره لطیعت آب و دیگر لطیعت خاک که عبارت
از خانه هفتم و هشتم خواهد بود حاصل شود و تا این شاخ نیز از
نتیجه آب و خاک چهار نمره مناسب آتش و باد و آب و خاک حاصل
شود و در هر یکی از این چهار عنصر موجود است فتبارک الله
احسن الخالقین اکنون ان شاء الله عناصر و طبایع و قوی
مثلثات را از همه شاخ با یکدیگر مرافقت و مصادقت و مخالفت
و مسالمت باشد و موافقت میانی دو عنصر آن بود که از یک مرکز
باشند مثل آتش با آتش و غیره و مصادقت میانی دو عنصر آن بود
که متوی یکدیگر باشند مایل مرکز خود مثل آتش و باد و آب و
خاک و مخالفت میانی دو عنصر آن بود که غیر مصادق باشند مثل
آتش و آب و باد و خاک و مسالمت میانی دو عنصر آن بود که
در مزاج مشارک باشند مثل آتش و خاک که در خشکی مشارکند
و آب و باد که در تری مشارکند چون دانسته شد اکنون هر یک

بحره که در اصل یک شاخ بود و دو شاخ شد و باز هریکی دو شد
تا چهار شاخ پدید امد که اصل مثلثات و ثمره انند و از هر یک بار دو
شاخ و دو ثمره پدید امد بر این مراتب یک و دو و چهار و هشت
که اوضاع رمل را اوست اکنون بدانکه مثلث اول از شاخ اتش بود
وان مثلث ناریست و در وی قوت اتش و باد باشد و مثلث چهارم
بر شاخ خاکی بود وان مثلث خاکیست در قوت اب و خاک باشد
و شاخ سبز که اتش و باد است مثلث اول و دوم را قوت دهد و شاخ
بار که اب و خاکست مثلث سیم و چهارم را قوت دهد و بران که
اصل است و جمله از و متفرع میشوند هر چهار مثلث را قوة دهد
نقیم و نقض چنانکه در فصل دوم خواهد امد و جدول این است
وانیت و نحوات



١٥

فصل دوم در بیان اوزان عناصر در بحره رمل بدانکه حکمای متقدم
از علم طبی تو سطون طبایع موازنه کرده اند و نموده که هر عنصر
باز چهار عنصر موجودات چنانکه در نقطه اتش اتش و باد و اب
و خاکست اما اب ضعیف وی قوت است و انی بحث مطابق علم
رمل است ابتدای انکه در هر خانه که عنصری منسوبست شکل می اید
که در وی چهار عنصر موجود است اکنون مقادیر اوزان
عناصر در مراکز عناصر از مرتبه اول و دوم و سیم و چهارم را
نهاده اند و عنصر مخالف را در عناصر یک جزو داده اند و عنصر
مقابل را سه جزو که ان جمع یکی و دو است و عنصر موافق را
شش جزو که ان
جمع یک و دو و سه
و چهار است چنانکه
درین جدول
شروح است اکنون

| عناصر | مرتبه ۱ | مرتبه ۲ | مرتبه ۳ | مرتبه ۴ |
|---|---|---|---|---|
| النار | ١٠ | ٦ | ١ | ٣ |
| الهوا | ٦ | ١٠ | ٣ | ١ |
| الماء | ١ | ٣ | ١٠ | ٦ |
| التراب | ٣ | ١ | ٦ | ١٠ |

چون اوزان عناصر در مراکز عناصر از این جدول معلوم شد
و طبایع خانها با طبایع شاخها در بحره از فصل متقدم معلوم است

بدین سبب است که جای حبت هر عنصر را از اوای او از جدول آن
عنصر پیدا کرد از تکرار یا ترکیب نقط چنانکه در نخسته خانه
اول آتش نار است چون در آن خانه اول عنصر نار خواهم از
جدول نار چون نار را دو بار تکرار کنند شش عدد حاصل آید
و اگر خانه که عنصر باد خواهم در این خانه از جدول هوا عنصر
هوا را دو بار تکرار کنند یعنی نار نار را از هوا دوازده حاصل شود
و این وزن عنصر هوا باشد در خانه اول و اگر عنصر آب خواهم از
جدول آب نار باشد در اول و اگر آن هم در این خانه عنصر خاک خواهم
نار در جدول خاک تکرار کنند یعنی نار نار و از خاک شش عدد
حاصل شود و این وزن عنصر خاک باشد در اول اما خانه دوم
در نخسته خانه سوار نار است نقط مرکب چون در این خانه عنصر آتش
خواهم نار و هوای او مرکب کنند شانزده حاصل شود و این وزن
عنصر آتش بود در دوم و چون عنصر هوا خواهم از جدول هوا
نار و هوای او تکرار کنند پانزده حاصل شود و این وزن
عنصر باد بود در دوم و چون عنصر آب خواهم از جدول آب
نار و هوای او مرکب کنند چهار حاصل آید و این وزن عنصر

از

از آب باشد در دوم و چون عنصر خاک خواهم از جدول خاک
نار و هوای او مرکب کنند چهار حاصل آید و این وزن عنصر
خاک باشد در دوم و دیگر خانها تا تمام هشت خانها معلوم
کردانند نخسته خانه او از آن یعنی طریق از جدول عناصر برداشتند در
نخسته اوزان عنصر ثبت کنند و چون این حاصل کرده شد بدانکه
که از مجموع اوزان هر عنصر در این هشت خانه شمار عنصر نشسته
باشد از آنکه در رمل هر عنصر را هشت نقطه است و اوزان هر
ده است از ضرب آن در هشت و نقط حاصل شود و چون
بر سبیل عکس هشت و چهار و دو و یک در تحت هشت خانه و
چهار خانه که اصل اشکال را آنجا می نشینند نهم و دهم و یازدهم
و دوازدهم و عدد او نصف خانهای علوی است و این خانها را
و استطاقه گویند و در تحت خانهای استطاقه دو خانه
می نشینند که نصف چهارست یعنی سیزدهم و چهاردهم بدانکه عنصر
آن هر دو خانه یکی است نیز نصف عنصر و استطاقات باشد
و این هر دو خانه شغیین خوانند و در تحت شغیین یک خانه
می نشیند که اصل کرده است و میزان رمل بدانکه در او نصف

شعبتین ما پس چون مرتب سازیم خانهای علوی و ارقام
اول ابتدا کنیم تا از اول تا آخر دوم جمع کنیم و نصف آنرا در خانه نهم
بنهیم و بخش سیم تا چهارم جمع کنیم و نصف آن در خانه دهم
بنهیم و بخش نهم تا دهم جمع کنیم و نصف آن در خانه سیزدهم
بنهیم و بدین نهج رخانه که قاعده رمل است بر عموم که اوزان علوی
جمع میکنیم نصف آن در خانه سفلی که نتیجه است بنهیم آن عمل می‌نهیم
تا اوزان عناصر در خانهای شانزده گانه معلوم شود و از آن
بر عمل ارقام و استقطاب چون در علویات و سفلیات بود و از
اهل مراتب و مرکز که این اصل عنصرست و مجموع عناصر اربعه در
خانهای شانزده گانه حسنی بود که در نسخه مرقوم و مکتوب
است و بجهه در آن صفحه کشیده شده است انتهی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی